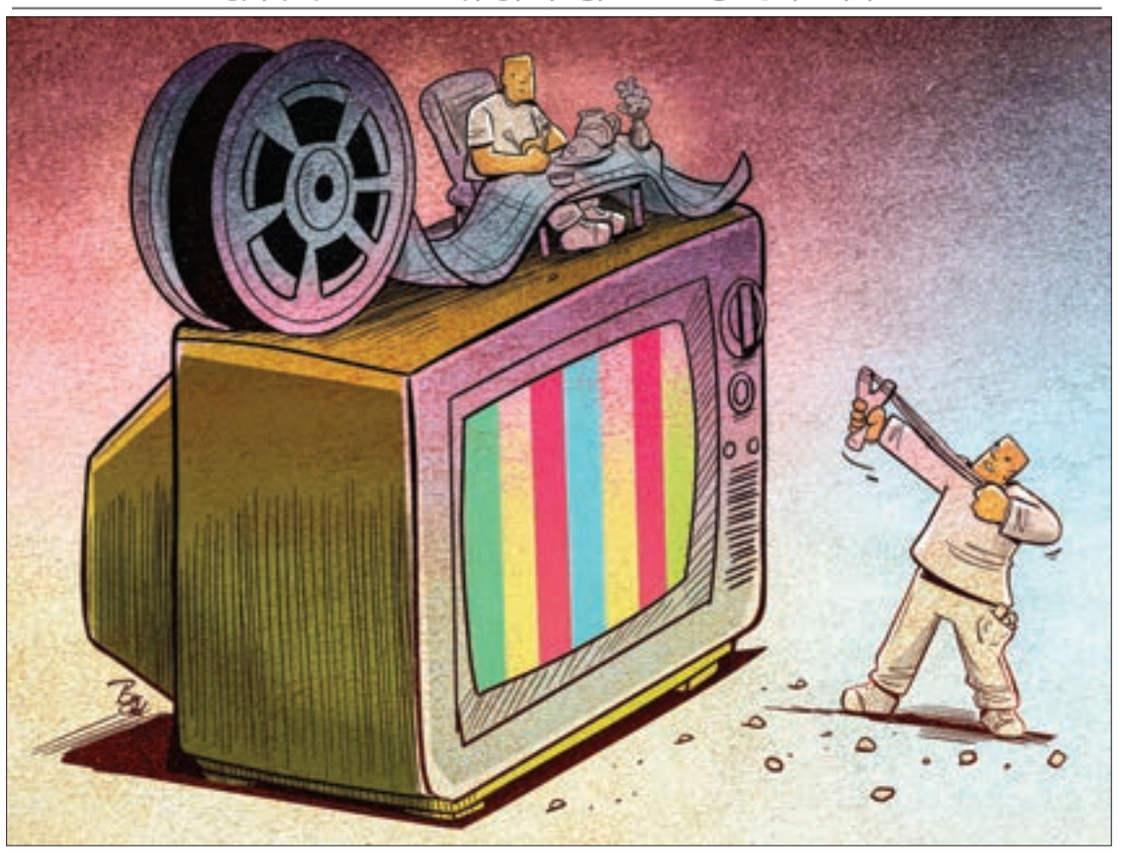
روایت روز

مصائب بازیگران بیکار سرزمین ما

درباره اعتراض‌های جدید شماری بازیگران از وضعیت سینما و تلویزیون



طرح: علیرضا پاکدل | شهرآرا

محمدناصر حق‌خواه
Mn.haghkhah@shahraranews.ir

ضرب‌المثل «پهلوان زنده را عشق است» بی‌گمان شنیده‌اید. این جمله آن‌قدر واضح است که به توضیح و تفسیر نیاز ندارد. چیزی که در این مطلب با آن سروکار داریم اما نه دقیقا کلمات این ضرب‌المثل که درون‌مایه آن است، این‌بار در حوزه‌ای دیگر، در هنر. اما وقتی داریم از «کارگردان همکار را عشق است» حرف می‌زنیم، دقیقا از چه می‌گوییم؟ در این مطلب به بهانه ۲ اظهارنظر جدید، از موضوعی که یکی دو سال است در سینما و تلویزیون ما پررنگ شده و به‌احتمال در آینده هم ادامه خواهد داشت، می‌نویسیم.

دوستان قدیمی، حرف‌های جدید!

سحر زکریا از پای ثابت‌های آثار کمدی تلویزیونی مهران مدیری در تمام سال‌های دهه ۸۰ بود. زکریا که به قول خودش همه او را «جزو گروه مدیری» می‌دانستند، چند روز پیش در پستی اینستاگرامی بعد از گله درباره باندبازی و نقش گرفتن افراد به‌دلیل روابط خاص و تلاش‌هایش در حمایت از همکاران و بی‌توجهی آنان، درباره کارگردان قدیمی‌اش نوشت: «آقای مدیری عزیز، برام بسیار محترم هستید، ولی چند وقتیه از شما مصاحبه‌هایی می‌بینم که ذهنم رو مشغول کرده. شما در یکی از مصاحبه‌هاتون گفتید به اون آدم سر چهارراه فکر می‌کنید، ولی چطور به گروهی که سال‌ها با شما کار کردن فکر نمی‌کنید؟! که در این روزهای سخت چگونه زندگی می‌کنن، گروهی که همیشه با ما به‌عنوان بچه‌های مدیری برخورد کردن و در کارهای دیگه به ما نقش ندادن. آیا بعد از هیولای یک که بازده چندانی نداشت و بردن بازیگرانی که کارهای زیادی دارن و پول‌های هنگفتی از بقیه کارها می‌گیرن، بهتر نبود که با گروه قدیمتون کار می‌کردین تا ما هم گذران زندگی کنیم؟»

در ادامه این حرف‌ها، محمد شیری از همکاران قدیمی دیگر مدیری هم در مصاحبه‌ای گفت: «مهران‌مدیری‌ای که من می‌شناسم، این مهران، نیست! برای بازیگرانش تاریخ مصرف می‌گذارد و قبل از من خیلی‌های دیگر مثل سعید پیردوست و هدایتی‌ها بوده‌اند! اخلاق مهران همین است. البته مهرانی که من می‌شناختم با این مهران امروزی فرق دارد. حرفی با مهران مدیری ندارم و اگر از من دعوت هم بکند، با او کار نمی‌کنم، چون برای افراد تاریخ مصرف می‌گذارد و گذشته‌اش را فراموش کرده است.»

البته همان طور که در ابتدای این مطلب گفته شد، این شکل حرف‌ها تازگی ندارد. چندی پیش مرجانه گلچین، بازیگر پرکار طنز سال‌های گذشته، در مصاحبه‌ای حرف‌هایی با این مضمون زد که: «اگر میهمانی نرویدـ نقش نمی‌گیرید.» پیش از او مریم امیرجلالی هم حرف‌هایی راجع به باندبازی در سینما و تلویزیون زده بود و اینکه او را کنار گذاشته‌اند و نقش‌ها به افراد خاص می‌رسد. اما این حرف‌ها که با کمی فشار آوردن به ذهنمان چندین و چند مشابه آن را به یاد می‌آوریم، چقدر درست است و در اصل چرا زده می‌شود؟

تا کار دارم، رفیقم!

سؤال بخش قبل را با یک نکته پاسخ می‌دهیم، درست بعد از اظهارنظر سحر زکریا، بهنوش بختیاری در استوری اینستاگرامش نوشت که «وقتی زیر آب بقیه را می‌زدی، باید فکر این روزها را می‌کردی و دنیا گرد است» و از این دست حرف‌ها. اما بحث ما این دعوای زرد بین ۲ خانم بازیگر که به‌احتمال ریشه در خصومتی شخصی دارد، نیست. بحث یادآوری یک نکته است که بازیگرانی مثل بهنوش بختیاری یا بهاره رهنما چرا هیچ‌وقت درباره این طور فسادها و باندبازی‌ها حرف نمی‌زنند؟ اصلا تا حالا بازیگر پرکاری دیده‌اید که این چیزها را بگوید؟ بختیاری و رهنما که درست مثل زکریا دوره اوجشان در تلویزیون گذشته است، با اینستاگرام پر از دنبال کننده شان درآمدزایی می‌کنند و با حفظ روابطشان گاهی کارهای سینمایی هم می‌کنند، برای همین از این دست حرف‌ها از آنان نمی‌شنویم. نکته دوم در پاسخ به این نوع حرف‌ها درباره باندبازی و فساد در موقع کم‌کارشدن، این است که در اصل مگر کارگردانی با بازیگرانش عهد اخوت بسته است که هر کاری می‌کند آنان را سهیم کند؟ مگر مثلا تارانتینو که چند کار با ساموئل ال جکسون کرده است، باید تا ابد او را در همه کارهایش بیاورد؟

یعنی علاوه بر اینکه در بحث اخلاق حرفه‌ای باید این را به بازیگران یادآور شویم که تا کار هست، ساکت نباشیم و اگر فسادی هست در موقع پرکاری مطرح کنیم، باید این را هم به یاد داشته باشیم که کارگردانان یا تهیه کنندگان عضو خانواده کسی نیستند و حالا که سفره‌ای پهن است، همه را در آن شریک کنند. هر تهیه‌کننده یا کارگردان کسی را که به نقشش می‌خورد یا بهتر می‌فروشد یا برای مخاطب تازگی دارد، برمی‌گزیند. شاید تلخ به‌نظر برسد، اما سینما و تلویزیون همیشه همین بوده است. این حرف‌ها درباره فساد و باندبازی در سینما که هیچ‌گاه هم راستی‌آزمایی نمی‌شود و معمولا هم درست نیست، فقط جوانان مستعدی را که می‌خواهند وارد سینما شوند از آن دور می‌کند، وگرنه افشاگری از فساد بی‌مدرک، هیچ اتفاق مثبتی را رقم نمی‌زند!

Tweets



نوید برهان‌زهی | فعال اجتماعی
@navid_bhz

یه گروه خیریه داره به این روستا آب لوله‌کشی می‌رسونه، یکی از اهالی این روستا در توصیف این عکس‌ها نوشته: دیدن لوله‌ها باعث شد لبخند روی لب‌های اهالی روستا نقش ببنده، چون دارن به آرزوی دیرینه‌شون می‌رسن. اون آقای مسن به راننده گفت این شوق رسیدن به آبه، آب زندگیه.





امیر ابتهاج | فعال رسانه‌ای
@amirebtehaj

مردم لب مرز ایران با #آذربایجان نشسته‌اند تا جنگ #قره‌باغ را تماشا کنند.
آناج





محمدحسن نجمی | روزنامه‌نگار
@mohammadhasannajmi

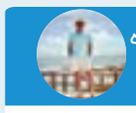
سلام عزیز مادر.
شهید هراچ‌ها کوپیان بعد از ۳۲ سال به خانه برگشت.





شروین رمضانی | خبرنگار
@shervinrmz

اعتراض هوادارای #استقلال نه مضحکه نه نقدی بهش وارده.
ما در جایگاهی نیستیم که بگیم چی باید دغدغه‌باشه و چی نباشه.
اگر #استیضاح_وزیر_ورزش هم صلاح نیست، دست‌کم یک‌بار برای مردمی که ناراحتن درست و صادقانه توضیح بدین شرایط چطور بوده و چه مسیری طی شده که وضعیت استقلال به اینجا رسیده.



ابراهیم سلطانی | نویسنده

آندره ژید از زمانی که جوان بود، یادداشت روزانه می‌نوشت. بعدها که مسن و مشهور شد، در دفترچه‌اش نوشت: «احتمال منتشرشدن حتی بخشی از این یادداشت‌ها، روزانه‌نگاری را برای من دشوار و پردست‌انداز کرده است». آدم همیشه برای دیگران می‌نویسد، اما گاهی به این امید که هرگز نخوانند.



محمد مطلق | دبیر صفحه گزارش روزنامه ایران
@m_motlagh88

در همین کوچه ما کرد سوران، آذری، لر بهمئی، لک، لر لرستان، عرب و افغانستانی داریم. با این استدلال کوچه ما چند نوع مدرسه لازم دارد؟ من آذری و کردم، تکلیف بنده چه می‌شود؟ قانون برحسب اتفاق در این زمینه بی‌نقص است، تحصیل زبان مادری منعی ندارد، اما تحصیل به زبان مادری از اساس ممکن نیست.

عجیب اما اثرگذار

به بهانه ویدئوکلیپ «ایران من» که این‌بار اسطوره‌های ایران‌زمین آن را برای ما می‌خوانند

محبوبه عظیم زاده
m.azimzadeh@shahraranews.ir

از ستارخان، غیوری که نامش را بارها در کتاب تاریخ خوانده‌ایم، تا ملک‌الشعرایی که ترانه مرغ سحرش با صدای گوش‌نواز شجریان هنوز بر زبان پیر و جوان جاری است، از مصدقی که نامش ملی‌شدن صنعت نفتمان را به یاد می‌آورد تا شهیدان بزرگوار و ازخودگذشته‌مان چون چمران و همت و آوینی و دوران و جهان‌آرا، از مریم میرزاخانی که به‌قول پدرش بهتر است الگو باشد تا اسطوره تا تختی‌ها و پروفسور حسابی‌ها و سیمین‌های شعر و ادبیات و حتی نام‌هایی مثل نرجس خانعلی‌زاده که حالا به‌واسطه ازخودگذشتگی در برابر ویروس منحوس کرونا ماندگار شده‌اند، حالا ایستاده‌اند مقابلمان و برایمان می‌خوانند. نه فقط برای ما، برای همان وطنی که خودشان باعث سربلندی و افتخار خاک و مردمش شده‌اند و امروز هم اگر نیستند، نام و یادشان ماندگار است و گذر زمان هم کم‌رنگشان نمی‌کند. باصلابت، محکم و چشم‌درچشم ما ایستاده‌اند و نوای ایران من سر می‌دهند و از وطنی می‌گویند که چون خون در رگ‌ها جاری و سرچشمه امید است و داغ‌ها و جفاهای زیادی را به چشم دیده است. حالا دیگر حتما متوجه شده‌اید که داریم از کدام ویدئو سخن می‌گوییم. دیپ‌فیک «ایران من» با صدای همایون شجریان در همین یکی‌دو روز گذشته به‌قدری در فضای مجازی پربازدید شد که بعید است از چشم‌هایتان دور مانده باشد و از تماشای آن عرق ملی‌تان به جوش نیامده باشد. ته قلبتان هم به‌احتمال حسابی بهشان بالیده‌اید و شاید حتی از صمیم قلب و همراه با آن‌ها «دور از تو بادا اهرمن» را زمزمه کرده باشید. این البته یک نمونه دوست‌داشتنی و جذاب از این قبیل حرکت‌ها بود که برعکس آن هم موجود است.



دو روی سکه دیپ‌فیک‌ها

تماشای این ویدئو شاید این سؤال را در ذهن خیلی‌ها ایجاد کرده باشد که چطور و چگونه این هماهنگی دقیق بین خواندن شخصیت‌ها و تصاویر آن‌ها اتفاق افتاده است. بد نیست بدانید نام این روش دیپ‌فیک است، به‌معنای جعل عمیق و کمی خودمانی‌تر یک جعل درست‌وحسابی. روشی که یکی دیگر از دستاوردهای هوش مصنوعی است و نتیجه کار به‌قدری باورپذیر از آب درمی‌آید که در برخورد اول به‌احتمال بیننده را شگفت‌زده می‌کند. در این روش درواقع تصاویر و فیلم‌های موجود را بر روی تصاویر و فیلم‌های منبع قرار می‌دهند تا یک انطباق منظم شکل بگیرد و نتیجه آن بشود آنچه که می‌بینید. اگر خاطرتان باشد، مدتی پیش هم چنین پروژه‌ای را برای میهمانان برنامه دورهمی پیاده کردند. دیوید بکهام و کریستین رونالدو را نشاندند روبه‌روی مهران مدیری و آن‌قدر درست و دقیق حرف‌ها را گذاشتند در دهانشان که دهان آدم از دیدنشان باز می‌ماند. مدتی پیش این بلا سر باراک اوباما هم آمد. ویدئویی از او منتشر شد که در آن به دونالد ترامپ حمله کرده بود، در صورتی که کامل جعلی بود. اتفاقی که باعث شد اوباما لب به سخن باز کند و بگوید تا این حد جلورفتن در علم و فناوری می‌تواند دمکراسی را در دنیا به خطر بیندازد. جابه‌جاشدن مرزهای حقیقت و دروغ درست همان چیزی است که خیلی‌ها را از این اتفاق ترسانده است. اینکه خیلی راحت می‌شود حرف‌های بر زبان نیامده را بر زبان آدم جاری کرد، ترسناک است، نیست؟! حالا تصور کنید این فرد، فرد مشهوری باشد که سخنش اثرگذاری‌ها و تبعات زیادی را حتی تا مشخص‌شدن اصل قضیه (آیا واقعا همیشه اصل داستان مشخص می‌شود؟) به بار بیاورد. آن هم در روزگاری که رگبار اطلاعات و خبرها و تصاویر و ویدئوها بر سرمان هوار می‌شود و خیلی اوقات به‌واقع نمی‌دانیم باید چه چیز را باور کنیم و چه چیز را نه. البته ابن ماهیت هوش مصنوعی است که در جای خود می‌تواند به بشر خدمت کند و در جای دیگر هم هوش انسانی را به بازی بگیرد، هرچه که هست در اینجا با انتشار این فیلم و این آهنگ از زبان اسطوره‌های کشورمان، حالمان خیلی خوب شد!

گزارش داغ

بلیت‌های نجومی در راه است؟

داستان تکراری لغو پروازها به ترکیه

بار دیگر پروازها به ترکیه لغو شد. ترکیه که مجوز پرواز به استانبول را برای شرکت‌های هواپیمایی ایرانی هم صادر کرده بود، دوباره به بهانه شیوع ویروس کرونا، پروازهای ترکیش‌ایرلاینز و شرکت‌های هواپیمایی ایرانی را به این کشور لغو کرد. البته در این بین ۲ کشور دیگر نیز مشمول این محدودیت شدند، عراق و افغانستان. با این اوصاف می‌توان انتظار داشت که پروازهای قطر به ترکیه همچنان برقرار باشد و مسافران ایرانی از طریق پروازهای قطرایرویز راهی استانبول شوند و دور از انتظار نیست که بار دیگر با قیمت‌های نجومی بلیت ترکیه روبه‌رو شویم. لغو پروازهای مستقیم به ترکیه سبب شده بود قیمت بلیت پرواز غیرمستقیم قطرایرویز به استانبول حتی به ۶۰میلیون تومان نیز برسد. اتفاقی که شوک بزرگی برای مسافرانی در پی داشت که سفر به این کشور برای آن‌ها ضروری بود. اما سؤال این است که با پیش‌بینی روند صعودی قیمت بلیت‌های ترکیه در شرکت هواپیمایی قطری، چرا هرگز با قطرایرویز مذاکره جدی نمی‌شود؟ البته باید نیم‌نگاهی نیز به درآمد شرکت فرودگاه‌ها از پروازهای عبوری این شرکت هواپیمایی قطری داشت تا سست‌بودن مذاکرات در این زمینه را به‌خوبی ردیابی کرد. مقصود اسعدی‌سامانی، دبیر انجمن شرکت‌های هواپیمایی، با اشاره به آخرین اخبار لغو پروازها به ترکیه می‌گوید: «ترکیه پیش‌تر اعتبار مجوزهای پرواز به ترکیه را تا اول ماه اکتبر اعلام کرده بود. پنجشنبه‌شب نیز اعلام کرد که از پنجم ماه اکتبر به این‌سو، پروازها به ترکیه متوقف می‌شود.»

اسعدی‌سامانی ادامه می‌دهد: «لغو پروازها مربوط به همه پروازهای ترکیش‌ایرلاین و شرکت‌های هواپیمایی ایرانی است. پروازهای عراق و افغانستان نیز مشمول این محدودیت شده‌اند.»

او با اشاره به اعلام شیوع ویروس کرونا به‌عنوان عامل لغو دوباره پروازها تصریح می‌کند: «اینکه برقراری پروازها از چه زمانی دوباره آغاز شود، مشخص نیست.» دبیر انجمن شرکت‌های هواپیمایی با بیان اینکه به‌احتمال بار دیگر با افزایش قیمت بلیت به ترکیه روبه‌رو خواهیم بود، می‌افزاید: «طبیعی است وقتی عرضه کم می‌شود و تقاضا برای سفر به ترکیه وجود دارد، ممکن است بازهم شاهد افزایش بی‌رویه قیمت بلیت استانبول باشیم.» برای خواندن ادامه گزارش از روزنامه شرق، کد را اسکن کنید.

گیشه‌های یخ‌زده و سینماهای ورشکسته

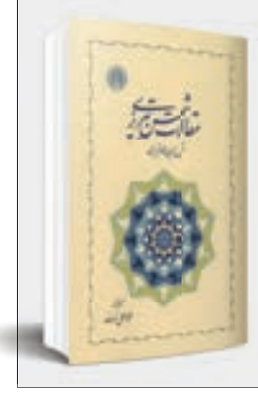
جنگ میلیاردرها در سال کرونایی سینما

از آن هنگام که شیوع کرونا باعث تعطیلی سینماهای دنیا شد، نگاه سینمادوستان به ماه آخر تابستان امسال بود، زمانی که قرار بود «تنت» کریستوفر نولان بیاید و سینمای جهان را نجات دهد. این تنها روزنه امید سینما برای رهایی از بحران کرونا بود، اما آمارهایی که در هفته گذشته منتشر شده، حکایت از این دارد که این مأموریت نیز شکست‌خورده است تا یک بار دیگر ثابت شود که هیچ فیلمی، حتی «تنت» کریستوفر نولان که دنیا ماه‌ها چشم‌انتظارش بوده است، به‌تنهایی قادر به نجات سینمای جهان نیست. در روزهای گذشته رسانه‌ها از ضرر ۲۰میلیارد دلاری هالیوود در جریان کرونا خبر داده‌اند که یک‌تنه دنیا را تعطیل کرد. طبق آماری که داده شده است، کابوس سینمای جهان همچنان ادامه دارد و حتی «تنت» هم نتوانسته است سینماها را نجات دهد. این فیلم البته در گیشه جهانی بیش از ۲۸۰میلیون دلار فروخته است و در مرز ۳۰۰میلیون دلار قرار دارد، اما این رقم نه‌تنها برای نجات سینمای جهان و جبران ضرر ۲۰میلیارد دلاری سینماها کافی نیست، بلکه حتی در قیاس با چند فیلم دیگر هم فروش بالایی به شمار نمی‌آید و در واقع چند فیلم بیشتر و بهتر از «تنت» فروخته‌اند.

البته شرکت برادران وارنر از آغاز می‌دانست که الگوی فروش «تنت» در دوران کرونا آرام و کم‌شتاب خواهد بود، ولی به‌هرحال انتظار استقبال بهتری از سوی سینماروهای آمریکایی داشت. اتفاقی که باعث ناامیدی استودیو شده و به همین دلیل هم اکران فیلم مهم بعدی‌شان را به تعویق انداخته است. «زن شگفت‌انگیز ۱۹۸۴» (WonderWoman۱۹۸۴) فیلم بزرگ بعدی برادران وارنر است که قرار بود در ماه اکتبر روی پرده سینماهای آمریکا بیاید، ولی استودیو، نمایش آن را به تعطیلات کریسمس موکول کرده است.

البته تنها «تنت» نیست که در کشاندن تماشاگران پای گیشه‌ها به مشکل خورده است، بلکه همه فیلم‌ها با این مشکل روبه‌رو هستند و فروش فیلم‌ها در قیاس با دورانی که خبری از کرونا نبود، نشان از کاهشی وحشتناک دارد. برای خواندن ادامه این گزارش از روزنامه شهروند، کد را اسکن کنید.

بریده کتاب



گاهی گوید راه نیست، گاهی گوید اگر هست دور است. آری ره دور است، اما چون می‌روی، از غایت خوشی دوری راه نمی‌نماید.

مقالات شمس تبریزی